



قهقرای تمدنی که امروز به کودک‌کشی در نقاط مختلف دنیا افتخار می‌کند

کودک‌کشان جزیرهٔ اُپستین؛ از غزه تا میناب



سرمقاله

دخترانه «حیات طیبه» را مرتکب شده و آن را در قالب مداخلهٔ بشردوستانه فاکتور می‌کنند همان کسانی‌اند که پیش از این هم همین معادله را در بیمارستان‌ها و مدارس نوار غزه پیاده کرده‌اند. آسمان این تمدن وحشی کودک‌کش در همه جای دنیا همین رنگ است. ماشین کشتار متوقف نخواهد شد. ساکنان هر نقطه‌ای از زمین که قصد تعظیم به سردمداران کودک‌آزار و کودک‌کش جزیرهٔ اُپستین نداشته باشند برای آنها تبدیل به هدف می‌شوند. تنها راه، قوی شدن است. قدرتمندتر شدن و با زبان زور سخن گفتن است. کشتارها در نوار غزه و تصاویر پرپر شدهٔ دختران ایرانی در جنوب ایران همه سند زندهٔ اقدامات این کودک‌کشان است. ■

انسان‌ها، دختر بچه‌ها، زنان و کودکان را در نقاط مختلف دنیا به سبیل رفتارهای وحشیانهٔ خود تبدیل می‌کند و خون آنها را به زمین می‌ریزد. افراد عادی و زنان و کودکان را جنگجو تعریف کرده و ریختن خون‌شان را موجه جلوه می‌دهد. جالب آنکه نخبگان و هژمونی رسانه‌ای دنیا هم این رفتار را با رفتار، گفتار و حتی سکوت خود تأیید می‌کنند. شخصیتی که اظهاراتش در سطور ابتدایی عنوان شد در بخش دیگری از اظهاراتش به این موضوع اشاره می‌کند که تصور کنید اگر این اتفاق برعکس بود و ایرانی‌ها یا فلسطینی‌ها این کشتار ۱۵۰ نفری را مرتکب شده بودند در آن صورت واکنش‌ها چه بود؟ کسانی که جنایت مدرسه

عواطف انسانی و منجر شدن فطرت بشر از این اقدام یک سمت ماجراست. سمت دیگر ماجرا آن است تمدنی که قرار بود ایستگاه آخر فضائل و امکان‌های مادی و معنوی را برای بشر فراهم کند حالا تبدیل به چنین کثافت و ماشین نظام‌مند کشتار شده است. این فرهنگ استعمار و برده‌داری نوین نه تنها استمرار همان دستگاه کلاسیک استعماری است بلکه با تجهیز به علم و فناوری به مرزهای جدیدی از سبعت رسیده که استعمار کلاسیک قرن هجدهم و نوزدهم حتی در ذهن خود هم تصور نمی‌کردند. دستگاهی که متکی بر علم و فناوری به کشتار نقطه‌ای خود افتخار می‌کند. افتخارش این است که به دقت موقعیت مکانی

«بزرگ‌ترین فاجعه از زمان جنگ ویتنام توسط آمریکا و بزرگ‌ترین کشتار دختران یک مدرسه در تاریخ جهان» اینها تعابیری است که یکی از شخصیت‌های سیاسی بریتانیایی در مورد بمباران مدرسهٔ دخترانهٔ حیات طیبه در میناب به کار برده است. معرکه کشتار و جنایت آنقدر صریح و عیان است که اذهان و زبان‌هایی از دل تمدن غرب هم نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. دشمن اگر قرار بود با قواعد ظاهر سازه با قضیه برخورد کند اصولاً سمت آسیب زدن به مردم هم نباید می‌رفت چه برسد به آنکه مدرسهٔ دختر بچه‌هایی را هدف قرار دهد که هیچ انسانی با هر دین و مذهبی هم آن را بر نمی‌تابد.

آقایان آرزو داشتیم که حداقل روی ماه تورا از نزدیک یک بار ببینم ولی قسمت نشد.
ان شاء الله چهره خندان شما را همراه امام زمان در قدس به اقامه نماز سخنی با شهید

رادیونگار
اسرائیل اول یا آمریکا اول؟
محمد مرندی
کارشناس مسائل بین‌الملل

در آمریکا جریان‌ات بسیار قدرتمندی وجود دارد که بر دولت ترامپ تاثیرگذارند. صهیونیست‌ها در این کشور درآمدهای بسیار بالایی دارند و شرکت‌های نظامی نیز توسط آنان اداره می‌شود. تقریباً تمام کسانی که اطراف ترامپ هستند شامل این گروه‌ها هستند. اطرافیان ترامپ تقریباً همه کسانی هستند که معتقد به «اسرائیل اول» هستند. ترامپ وقتی سر کار آمد یا وقتی که کاندیدا بود، گفته بود که شعارش «آمریکا اول» است و ما باید به فکر وضعیت داخل آمریکا باشیم و وضعیت آمریکا خوب نیست و وضعیت اقتصادی خیلی بد شده و قشر متوسط از بین رفته و ثروت‌ها جمع شده و... ولی وقتی روی کار آمد، عملاً «اسرائیل اول» در دستور کار قرار گرفت. بعضی‌ها معتقدند که اسرائیل به آمریکا خط میدهد و دستورات از اسرائیل صادر می‌شود. بعضی هم میگویند که آمریکا دستور میدهد و اسرائیل عمل میکند من فکر می‌کنم این بحث، بحث درستی نیست. اساساً بین اسرائیل و آمریکا اختلاف نظر جدی وجود ندارد و این دو کاملاً با هم هماهنگ هستند.

قاب
به عشق رهبر شهید
تجمع و راهپیمایی مردم عزادار کلاردشت در هوای برفی به عشق شهید خامنه‌ای

فرزند ایران
جام شهادت
به یک چشم برهم زدن، آوار سنگین بر خانه‌ی خانواده‌ی حاجی سلطانی فروریخت. رژیم صهیونیستی قصد جان ساداتی، دانشمند هسته‌ای را داشت؛ اما موشک، چند ساختمان آن کوچه را با خاک یکسان کرد. درست پشت خانه‌ی ساداتی، منزل سه طبقه‌ی محمد حاجی سلطانی بود. ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، شب عید غدیر؛ محمد با همسر و دختر ۲۶ ساله‌اش از مهمانی بازگشتند. پدر، خسته از روز، زودتر از همه در اتاقش خوابید. نیمه‌شب، پسر خانواده با تماس همسایه از انفجار باخبر شد و هراسان خود را رساند. قلبش می‌تپید؛ نمی‌دانست کدام را اول جست و جو کند؛ پدر، مادر یا خواهر؟ اتاق پدر، دیوار به دیوار خانه‌ی ساداتی، بیشترین خرابی را داشت. تخت بر آوار فروریخته بود. با کمک امدادگران، پس از ساعت‌ها تلاش، پیکر پدر را یافتند؛ آغشته به خاک و خون، آرام و بی‌ صدا. پسر از پله‌های شکسته پایین آمد. باغچه‌ی کوچک، گورستانی از آجر و آهن شده بود. اما در میان ویرانه‌ها، غنچه‌ای نحیف سر از خاک برآورده بود؛ همان دانه‌ای که روزی پدر با عشق کاشته بود؛ بذری که حالا از دل مرگ و جنگ جوانه زده. شهید محمد حاجی سلطانی با همسر و دخترش، در بزم وصال، جام شهادت را نوشیدند و در قطعه ۴۶ بهشت زهرا آرام گرفتند. ✍️ حکیمه پارسی